

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه حج (جلسه پنجم)

جلسه خانوادگی - استاد اخوت ۱۳/۸/۹۴

ان شاء الله قبل از شروع جلسه همه انبیاء و اولیایی که با سوره حج ارتباط دارند را دعوت می کنیم به برکت صلوات بر محمد و آل محمد

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ (۱)

- انسان به تقوا دعوت شده است.
- نشان می دهد معاد و فهم قیامت معادل فهم توحید است. در بقیه آیات هم به همین صورت دیده می شود.
- از سوره های مهمی است که موضوع معاد را به توحید پیوند می دهد.
- در شبانه روز توجه به قیامت را فعال و در نتیجه توجه به خدا را فعال کردی و بالعکس.

يَوْمَ تَرَوُنَّهَا تُذْهِلُ كُلُّ مَرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَ تَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَ مَا هُمْ بِسُكَارَىٰ وَ لَا كَيْنَ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدًا (۲)

دلیل همین آیاتی که می بینید این است که پس از نزول سوره، از گریه و ماتمی که در میان مردم ایجاد شد، صحرای محشری شد و پیامبر برای تسکین این حالت وعده بهشت دادند و مردم را راضی کردند.

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَجْدِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ (۳)

كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَن تَوَلَّاهُ فَإِنَّهُ يُضِلُّهُ وَ يَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ (۴)

يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَ غَيْرِ مَخْلُقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَ نُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نَخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِنَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَ مِنكُمْ مَّن يَتُوفَىٰ وَ مِنكُمْ مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْضِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَ تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ وَ أَنْبَتَتْ مِن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (۵)

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَ أَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۶)

وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيهَا وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَن فِي الْقُبُورِ (۷)

وَ مِنَ النَّاسِ مَن يَجْدِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ لَا هُدًى وَ لَا كِتَابٍ مُّبِينٍ (۸)

ثَانِي عَطْفِهِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ نُذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ (۹)

ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ يَدَاكَ وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ (۱۰)

وَ مِنَ النَّاسِ مَن يَتَّبِعُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَ إِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ (۱۱)

- در ابتدای سوره سه دسته آدم معرفی شدند. انسانها متناسب با سیستم و ساختار خود به این گروه ها نزدیک میشوند یا هر کس خودش جزء این گروه هاست یا به اینها میل پیدا می کند.
- گروه اول: در گمراه کردن آدم ها سماجت بیشتری دارند. مطابق خواست شیطان، هر کاری را انجام می دهند. دریافت کننده های قلبی شان متصل شده به وسوسه های شیطان شده است.
- گروه دوم: کاری را انجام می دهد؛ اما درصدد حجست داشتن برای آن نیست. اگر کاری را انجام دهی که بر اساس کتاب و حجیت نباشد، از این گروه هستی.

گروه سوم: ظاهرا عمومی تر هستند. صفتی که برای این گروه ذکر می شود عام تر است.

اعتقاد به خدایی دارد که نوسان دارد. خدایش «علی حرف» است. پایه درستی ندارد. خدایش، خدای ثابت حق نیست. در نتیجه، نتیجه اش اینطور است که اگر خوبی به فرد برسد؛ نظرش درباره خدا با آن موقعی که به ظاهر خوبی نیست، فرق می کند.

يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْصُرُهُمْ وَ مَا لَا يَنْفَعُهُ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ البَعِيدُ (۱۲)

يَدْعُوا لِمَنْ صَرُّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ لِبَشَرِ الْمَوْلَى وَ لِبَشَرِ الْعَشِيرِ (۱۳)

اگر به خودمان نگاه کنیم میبینیم خیلی وقتها صفاتی که خداوند در این بحثها گفته، کم و بیش در ما هم هست. راهش برای بر طرف کردن، توجه به قیامت است.

مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبِ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدَهُ مَا يَغِيظُ (۱۵)

وَ كَذَلِكَ أَنْزَلْنَا آيَاتِ بَيِّنَاتٍ وَ أَنْ اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ (۱۶)

گول ظاهر خیلی چیزها را در دنیا نخور. اگر دیدی رسول خدا، دین خدا، حج خدا دچار ضعف می شود، فکر نکن دین خدا مضمحل می شود. یقین بدان دین خدا نصرت می شود. یقین بدان خدا، دین و رسولش را جاری می کند.

کسی که گمان داشته باشد «لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»، خودش را خفه کند، ببیند آیا سودی به حالش دارد یا نه! این خیلی بد است.

اگر نگاه آدم به این موضوع درست شود، دین داری اش در هاله ای از ابهام نخواهد بود. میدانند اگر دین نداشته باشد، در خسران است.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ هَادُوا وَ الصَّابِئِينَ وَ النَّصَارَى وَ الْمَجُوسَ وَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۱۷)

خدا سر طیف را معرفی کرد و گفت که از اینها خوشش نمی آید. اساس هر سه بی ایمانی بود.

گیرنده وسوسه (دچار وسوسه شیطان نشویم) / خودش عامل بر هم زنده نظام دین (عامل وسوسه نشویم) / تغییر کاملاً فردی و به واسطه آن بروز بی ایمانی در جامعه (به یک وضعیت باثبات برسیم)

بدانیم خدا دینش را یاری می کند.

اعتقاد به استکبارستیزی و اعتقاد به اینکه آنها که مخالف دین هستند مضمحل می شوند.

اعتقاد به مرگ بر ضد ولایت خدا

در کل قرآن، این آیه عجیب است. اولاً گروه بندی ای از مردم در طول تاریخ می دهد. انگار خدا، پیامبر خود را نقطه ای قرار می دهد که تمام انسانها را در طول تاریخ نشان می دهد.

چند گروه از اینها بین شان فاصله می افتد:

۱. الذین آمنوا ۲. الذین هادوا... یهودی ها ... اینجا منظور، کسانی که دینشان دین حضرت موسی هست، نیست. منظور، کسانی هستند که به اعتراض، خود را برای تحریف در دین، یهودی کردند ۳. نصاری

در این آیه همه انسانها میتوانند حضور داشته باشند. بعضی صفات، یهودی مسلک هستند مثل میل به جاودانگی در دنیا و تحریف دین صفت یهودی مسلکان است.

این سه گروه، هر کدام ویژگیهایی دارند.

ممکن است به ظاهر دین ما فردی باشد و اینطور هم هست. ممکن است دل کسی پر از محبت یا کینه شیطان باشد؛ اما روز قیامت به هر حال دسته مومنین و دسته کافرین داریم. بهشت هم بروی، دسته ای باید بروی نه فردی!

بخیل هر که هست، یهودی است

سوره بقره، سوره یهودی هاست.

حس گرایی/دنیاطلبی خصوصیت یهود است... میل به غرب پیدا کردن یعنی خصوصیت یهودی پیدا کردن.

آدمها با همین میل هایشان دسته بندی می شوند.

هم نشینی با امیرالمومنین در همین دنیا هم اتفاق می افتد خوش اخلاقی یعنی امیرالمومنین؛ خُلق حَسَن یعنی حسنین

انسان باید بداند چه صفتی او را یهودی، نصرانی و مشرک می کند.

روز قیامت بین این گروه ها فاصله می افتد. الان با هم و مخلوط است اما در آن دنیا فاصله می افتد.

این آیه بسیار جای تحقیق دارد. آدم میتواند مجموعه صفات بد خود را یادداشت کند و بعد بگوید این صفت، من را در کدام گروه قرار میدهد. خیلی بین یهودی، نصرانی و ... فرق می کند. مضافاً وقتی تفصیل میدانی، قدرت برائت بیشتر می شود.

این تفصیل در برائت باعث می شود دین روی زمین نماند. خدا دین و ولی اش را در دنیا و آخرت نصرت می کند.

در آخرت، خداوند ولیّ اش را نصرت می کند و به کوری چشم خیلی ها، پیروانش را شفاعت می کند.
به گونه ای عمل کنیم که وقتی روز قیامت گفتند «الذین آمنوا» جزو آنها باشیم، برای بقیه اش پیامبر دستشان باز است.

صابین:

توجهشان به متغیرهای عالم است. باید حتما رویت کند/ تجربی مسلک می شوند؛ چیزهای غیر ثابت و خارق العاده
برایشان مهم است؛ به یک سری عناصر طبیعی که تفوق و سیطره در عالم دارند، اعتقاد دارند.

صابی ها با بت پرستی ارتباط داده شدند.

نصاری:

میل به رهبانیت دارند؛ میل به جهاد در او شکل نگرفته؛ جدایی دین از سیاست؛ انزوا؛ بی تفاوتی؛ اعتقاد به دین
فردی

مجوس:

اخلاق برایش موضوعیت دارد؛ اخلاق منفک از دین

در روایات، مطالبی داریم درباره اینکه یهودی امت ما کیست. در این بخش، صفاتی مطرح می شود که همه ما در
معرض آنها هستیم.

بدعت و نوآوری کار یهود است. کار جدید کردن اگر اطلاق بدعت به آن بشود، خیلی خطرناک است.

همین که انسان بفهمد این صفت با یک سری آدم خبیث پیوند دارد آن را کنار می گذارد.

داد زدن، غضب کردن صفت مومنین نیست. صفت «الذین اشرکوا»، صفت بت پرستهاست.

این نگاه برای انسان برائت ایجاد میکند. کم کم این صفات چسبشان کم میشود و می افتد!

دلیلی ندارد ما مثل یهودی ها باشیم، این صفات با مسلمان جمع نمی شود.

خدا به فعل انسان نگاه می کند نه به زبانش.

بهشت و جهنم وضع تکوینی دارد، هر صفتی به صورت تکوینی جایگاه انسان را در بهشت و جهنم مشخص می کند؛

چون صفت به آدم چسبیده است.

شیعه به معنای پیروان امیالمومنین / طرفدار نهج البلاغه / اِنِّی تَارِکٌ فِیْکُمْ الثَّقَلِیْنِ کِتَابِ اللّٰهِ وَ عِترتی

(کتاب صفات الشیعه شیخ صدوق را بخوانید ؛ ۴۰۴ صفحه است)

حکومت دینی باید به شکل قوی تشکیل بشود.

بحث ما فعلا جزئی تر است روی شاکله نفس هستیم.

روی بحث شاکله امت کاری نداریم. باید برای اصلاح جامعه نیز راهکار داشت. باید به شیوه اصلاح صفات در جامعه صفات وارد شد.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يَهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُّكْرَمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ (۱۸)

برای تقویت ایمان

۱. از ایمان اجتماعی شروع می شود

۲. صفات را دسته بندی و سعی کنیم به صفات یهود و ... مبتلا نشویم.

صفات محدود و نقطه ضعفها مشخص است.

اگر از دسته «الذین آمنوا» هستید هم به سمت ارتقاء بروید.

۳. بحث سجده، موضوع مهمی است.

الف. بر اساس آیه ۱۸ سجده با کرامت ارتباط پیدا می کند و کسی که به انواع و اقسام هوان (افسرده، مضطرب و ... یک چیزی دارد که نمی تواند آن را ارزش اطلاق کند) و کم ارزشی مبتلاست، راه درمانش سجده است.

ب. ما در زندگی مجبوریم با همه در ارتباط باشیم. باید برای هر کدام زمانهایی را اختصاص دهیم که هیچکس هم ورود پیدا نکند.

این زمانها را باید با خدا هم داشت. هر کسی باید یک محفل خصوصی داشته باشد. دوربین دیگری نصب کند و نسبت به خود شهود داشته باشد. این اتفاق در سجده می افتد که همه دوربین ها خاموش می شوند و همه چیز از بالا دیده می شود.

توجه نفس در انسان عطیه ای الهی و مظهر صفت شهید بودن خداست که در همه زندگی انسان دوربین را نصب و تقوا به واسطه آن شکوفا می شود. خیلی صفات که به واسطه درک خدا صورت میگیرد در سجده اتفاق می افتد.

هر کسی تا هفته آینده صفتی را که برایش به عنوان صفت خوارکننده است مثل خواب زیاد، خوردن زیاد و ... انتخاب کند و به نیت اصلاح آن سجده کند و در محدوده برطرف کردن آن صفت، توجهش را فعال کند.

میتواند ذکری (لااله الا الله؛ صلوات؛ تسیحات حضرت زهرا سلام الله علیها و ...) را هم انتخاب کرده و آن را در سجده بگوید. توصیه من تسیحات حضرت زهرا سلام الله علیها است.

سجده قطعا به بهبود آن صفت بسیار کمک خواهد کرد.

قوه شهادت نیرویی است که میتواند انسان را از زوایای مختلف به خودش نشان دهد و فعال شدن قوه شهادت معادل فعال شدن تقوا در آدم است. قوه شهود که می آید مراقبت هم می آید.

شهود یعنی خودمان را در کسوت آن صفت در حالت های مختلف ببینیم. وقتی آن صفت نیست، وقتی آن صفت هست و ...؛ به مرور باید این صفت خرد شود و آن آدم بالا برود. خواری درونی را کم می کند.

دعا کنیم نه تنها از سجده کنندگان باشیم؛ بلکه هر جا میرویم و اثری از ما دارد آنجا سجده بشود یعنی کارکرد آن مکان کرامت افزایی و خوارکننده صفات منفی شود.

مسجد جایی است که کرامت ایجاد کرده و کرامت میدهد یعنی آدمها آنجا کریم می شوند.

دعا کنیم هر جا میرویم آنجا را مسجد کنیم به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات